

## پیشگفتار

داستان ترجمه این کتاب داستان زندگی است. همه چیز از یک روز گرم تابستان شروع شد؛ در اتاقی از اتاقهای سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) واقع در خیابان رهی معیری. نشانی این سازمان را گفتم تا آن دسته از خوانندگانی که با این سازمان آشنایی دارند، بدانند تاریخ آغاز این پروژه به چه زمان دوری برمی گردد. لازم است از درایت، صبر و حوصله مسئولان محترم سازمان سمت که در ارتباط مستقیم با این پروژه دشوار قرار داشتند، از صمیم قلب تشکر و قدردانی کنم؛ بدون حمایت‌های ایشان این کار هرگز به پایان نمی‌رسید.

در جستجوی فهرست کتابهایی بودیم که کمبودهای کتابهای مرجع رشته نمایش را جبران کنند. کتاب طراحی دکور و نورپردازی صحنه<sup>۱</sup> را که از کتابهای مرجع معتبر دانشگاهی است، پیشنهاد دادم. پیشنهاد پذیرفته شد و چند ماهی در انتظار خرید آخرین چاپ موجود گذشت و قرارداد یکساله تنظیم شد؛ علی‌رغم باور استادان گرامی سازمان سمت به دشواری کار و نیاز به نیروی بیش از یک نفر برای انجام آن، پذیرش این کتاب به عنوان پروژه‌ای تحقیقاتی که می‌توانست بودجه و مجال مناسب‌تری در اختیار گذارد، امکان‌پذیر نگردید، کفش آهنین به پا، قدم نخست برداشته شد.

از همان آغاز، ضرورت وجود دستیار برای انجام کارهای جانبی که البته گاه اهمیت آنها بیش از کار اصلی بود و دقت و حوصله فراوان می‌طلبید، به شدت احساس می‌شد. اولین دستیار خوبم، خانم مهسا کرم‌پور، با دقت و حوصله بسیار به کمک آمد. همکاری ما با فراهم شدن ادامه تحصیل او در کشوری دیگر، پایان یافت و داستان تحصیل در دیار دیگر تبدیل به داستان تکراری دو دستیار دیگر شد، اما پیش از عزیمت چهارمین و آخرین دستیار، ترجمه کتاب به اتمام رسید. خانمها لادن برهانی و بیتا اولیائی زحمات بسیاری برای این پروژه کشیدند که بدون حضورشان، مسیر ترجمه بسیار دشوارتر از آنچه گذشت، می‌شد. افزون بر جستجوی معادلهای فارسی واژگان و اصطلاحات فنی در کتابخانه‌ها و با رجوع به

فرهنگهای موجود و واژه‌نامه‌های کتابهای مرتبط با موضوع، تحقیقات میدانی و ملاقات با صاحبان مشاغل و اساتید دیگر نیز، توسط این همکاران بسیار عزیز صورت گرفت. به درازا کشیدن زمان ترجمه و بویایی تغییرات زمان در کنار اهمیت کار، به روز کردن اطلاعات و جستجو برای یافتن برابره‌های تازه‌تر و احتمالاً گویاتر را ضروری می‌ساخت و این کنکاش تا انتهای کار با جدیت دنبال شد. لازم است از آن دسته از صاحبان مشاغل نجاری، آهنگری، دکورسازی، یراق‌آلات، قالب‌سازی، طراحی صنعتی، لوله‌کشی، فلزکاری، نقاشی، مهندسی مکانیک و غیره که با حوصله، پاسخگوی پرسشهایمان بودند و صد البته جناب آقای مانی شهیر و دوستان مهندس معمارم، خانمها لیلا اسحاق‌زاده و مهسا مجیدی و آقایان محمد مجیدی و بهرام شکوهیان که لطفشان شامل حالمان شد و ما را در یافتن بهترین و مصطلح‌ترین معادل‌های فارسی در زمینه‌های نام‌برده یاری کردند، قدردانی کنم.

نیمه‌های راه به اتفاق سازمان «سمت» بر آن شدیم به ترجمه بخش اول کتاب بسنده کرده و از ترجمه بخش دوم صرف‌نظر کنیم. دلایل امر متعدد بود، نخست آنکه بخش اول کتاب از نظر موضوعی مستقل بوده و از ابتدا بنا بود در جلدی جداگانه منتشر شود. جلد نخست با یازده فصل، به طراحی صحنه و جلد دوم با سیزده فصل به طراحی نور و صدا می‌پرداخت.

دلیل دیگر آنکه در طی چند سال کار بر روی بخش نخست، کتابهای دیگری مرتبط با موضوع بخش دوم توسط سازمان «سمت» و ناشران دیگر انتشار یافت و بدین ترتیب مشکل نبود مرجع نیز، برطرف شد. بنابراین اینکه بخش نخست منتشر شده و بعدها بخش آخر به آن اضافه شود، لطمه‌ای به کیفیت کار وارد نمی‌ساخت. بدین ترتیب نام کتاب نیز به «طراحی صحنه» تغییر یافت.

نکاتی در ترجمه این کتاب در نظر بوده که طرح آنها ضروری به نظر می‌رسد. نخست آنکه تلاش شده در انتخاب معادل‌های فارسی واژگان تخصصی، به‌ویژه ابزاری که بیش از یک نام دارند، مصطلح‌ترین واژه در متن اصلی و سایر اسامی، در پانویس آورده شود. دوم، برای آنکه خواننده فارسی‌زبان مفاهیم را بهتر درک کند، مترجم توضیحات لازم را در پانویسها اضافه کرده است.

انتهای کتاب واژه‌نامه تمامی عبارات و واژگان موجود در این کتاب که زمینه‌های بسیار متنوعی را دربر می‌گیرد اضافه شده است، با این امید که بتوان از آن جداگانه نیز به عنوان فرهنگ کوچک لغات بهره گرفت.

ترجمه این کتاب برای دانشجویان و به امید آینده‌ای پربارتر و پرکارتر از پیشینیان، صورت گرفته است، هرچند که تنوع و کارایی مطالب، آن را برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان قابل استفاده می‌کند.

در برگردان این کتاب به زبان فارسی به عنوان کتابی مرجع، دقت و وسواس بسیاری به کار رفته است و تلاش بسیار شده تا متن عاری از اشتباه باشد و همه فصول، چندین نوبت به طور کامل بازنویسی شده‌اند، اما از آنجا که بخش عمده‌ای از مباحث برای بار نخست به فارسی برگردانده شدند، بهره‌گیری از تجارب گذشته ممکن نبود، لذا احتمال وجود کمی و کاستیهایی که از دید پنهان مانده باشد، وجود دارد. یادآوری این کاستیها از سوی خوانندگان عزیز، موجب سپاس است و احتمالاً در چاپ بعدی اصلاح خواهند شد.

ترجمه فوق در مسیر چندساله و طولانی جریان زندگی به پایان رسید و شاهد جداییها، وصلها، مرگها و تولدهای متعدد بود. در تمام راه دلهره انجام کار، بی‌امان همراهم بود. از روزهای عادی زندگی گرفته تا کابوسهای تب و اتاق بیمارستان. اغلب شبها و روزهای چندین سال گذشته با این پروژه تمام‌ناشدنی گذشت و البته خانواده و دوستان نزدیک هم از این همزیستی بی‌نصیب نمانند! قدرشناسی و سپاسگزاری صمیمانه خود را به تمامی نزدیکانی که با عشق و بردباری مرا در این مسیر همراهی کردند، به‌ویژه خانم نرگس مجد که به جز همدلی خواهرانه، هرگاه که به یاریش نیاز بود با خوشرویی و حوصله تمام به کمک آمد، تقدیم می‌دارم؛ همچنین از سرکار خانم پروش طلایی و جناب آقای اسدالله معظمی گودرزی که در ویرایش این اثر همت و مبادرت ورزیدند صمیمانه سپاسگزارم.

اکنون، بسیار دیرتر از تصور اولیه و با پشت‌سر گذاشتن مسائلی بسیار جدی‌تر و دشوارتر از پیش‌بینیهای ابتدایی، این دفتر بسته شد. از پایمردی و به پایان رساندن این کار بزرگ خرسندم؛ به امید آنکه مورد استفاده همه کسانی قرار گیرد که در زمینه تأثر و سینما به فعالیت مشغول‌اند.

مریم مجد

خرداد ۱۳۸۷